

در یک دهه گذشته جامعه هنری بیش ازپیش متوجه «فریدون آو» شده است و به‌این‌ترتیب این هنرمند در همین چند سال حضوری مداوم در نگارخانه‌ها دارد. حضور «آو» فقط محدود به جایگاهش به عنوان هنرمند نمی‌شود، همین دو سال پیش بود که او یکی از نگارخانه‌های تهران را به شکل اتاق خانه‌اش طراحی کرد و علاوه بر نمایش بخشی از مجموعه هنری بزرگش، مبلمان و سایر لوازم منزلی را که خود طراحی کرده بود نیز به معرض تماشا گذاشت. اما نمایشگاه «چهره» که چندی پیش به شکل هم‌زمان در سه نگارخانه «ا»، آرآن و پروژه‌های آرآن برگزار شد، احتمالاً بزرگ‌ترین نمایشگاهی بود که نام او را دوباره مطرح کرد. علاوه بر سه نگارخانه مذکور، بخشی از مجموعه شخصی بزرگ این هنرمند و مجموعه‌دار در بنیاد احسان لاجوردی به نمایش گذاشته شد. این بخش از نمایشگاه کم‌وبیش مجزا از نمایشگاه «چهره» برگزار شده و برگزار شامل بخشی از مجموعه خصوصی فریدون آو می‌شود. به بهانه این رخداد هنری با احسان لاجوردی صحبت کردیم. بنیاد احسان لاجوردی یک بنیاد هنری است که آثار هنری را به مقاصد غیرتجاری به نمایش می‌گذارد. بنیاد او تا ۱۵ بهمن میزبان مجموعه شخصی فریدون آو خواهد بود.

شدند و آقای آو که دوباره به ایران آمدند دوباره این انتخاب‌ها را بررسی و آثاری را حذف و اضافه کردند. در انتخاب آثار هم سعی کردیم هم آثاری قابل نمایش را انتخاب کنیم و هم اینکه از نمایش تصویری که شباهه بی‌احترامی ایجاد کنند، اجتناب کردیم و کوشیدیم تصاویر به گونه‌ای باشند که اشاره به فرقه یا گروهی خاص نداشته یا بار سیاسی و مذهبی نداشته باشند و آثار کاملا بدون هیچ گرایش جمع‌آوری شده‌اند. **آا هر مرحله شامل چند انتخاب و تعداد اثر شد؟** **ظاهرا آقای آو کلکسیون بسیار بزرگی دارند.** هم کلکسیون بسیار بزرگی است و هم اینکه از سال‌ها پیش جمع‌آوری شده، درنتیجه بسیاری بسته‌بندی بودند و ما نمی‌دانستیم چه تعداد اثر هستند یا در کجا نگهداری می‌شوند. این نمایشگاه درضمن باعث شد مجموعه آقای آو دقیق‌تر و بهتر فهرست شود و کمکی به کلکسیون ایشان هم شد. **یک بار توضیح دادید اینجا قرار بود به شکل خانه یک مجموعه‌دار چیده شود و به‌همین دلیل هیچ توضیحی در کنار کارها نزنید که به همان شکل یک مجموعه بمانند و کنجاکاو را در بیننده برانگیزد. این فکر از طرف چه کسی بود؟**

اگر قبلا هم نمایش‌های ما را دیده باشید حتی در خیلی از نمایش‌های گروهی هم اسم هنرمندان آورده نمی‌شود. خیلی‌ها معترض می‌شوند چون عادت کرده‌اند وارد گالری شوند و اسم هنرمند بزرگ‌تر از اثر در کنار اثر باشد. یا کاغذی دم در گذاشته باشند و قیمت‌ها در آن درج شده باشد. ما هیچ‌وقت فهرست قیمت نداریم چون کارمان براساس تجارت و سود اقتصادی نیست و دلیلی برای داشتن فهرست قیمت‌ها نداریم. یکی از اصول این بنیاد این است که برزورد بیننده با اثر بدون واسطه باشد. درواقع هر مانعی که باعث به‌وجودآمدن فاصله مخاطب با اثر شود، حذف می‌شود. به نظر، مخاطبان به جای اینکه در ابتدا ببینند اثر کار کیست یا چه قیمتی دارد، بهتر است اثر را ببینند. من دوست دارم بازدیدکنندگان این مسائل را در مرحله دوم و سوم بگذارند و توجه اصلی آنها به خود اثر باشد. برگردیم به این نمایشگاه؛ نمی‌دانم شما یا بقیه مخاطبان به منزل کلکسیونرها رفته‌اید یا نه. وقتی یک مجموعه‌دار معنا پیدا می‌کند که بیشتر از یک تعداد اثر

بیشتر آثاری که انتخاب شد از مجموعه تهران بود، امسا آثار مجموعه‌های ایشان در پاریس، یونان و دوبی نیز بررسی شدند و درنهایت تعدادی از آثار را که امکان انتقالشان به تهران میسر بود هم توانستیم در نمایش «چهره» داشته باشیم.

این آثار چشم انتخاب شد؟

انتخاب اولیه، مسلما انتخاب خود آقای آو است. ایشان آثاری را در ۵۰ سال خرید و جمع‌آوری کرده بودند. براساس مجموعه ایشان، با هم آثار را انتخاب کردیم که این پروسه یک سال به طول انجامید. این آثار از میان آثاری انتخاب شده‌اند که بعضی سه‌سال‌ها در بسته‌بندی‌ها و در انبارها مانده بودند. ما همه آثار را با کمک آقای شاهرخ درآوردیم و متوجه شدیم چه آثاری وجود دارند. آثاری را که امکان نمایش نداشتند یا نباید نمایش داده می‌شدند کنار گذاشتیم، بقیه عکاسی

آا در ابتدا کمی درباره نکات مثبت و منفی حراج تهران صحبت کنیم. از دیدگاه شما حراج اخیر چطور بود؟

حراجی‌ها همیشه موافقان و مخالفانی داشته؛ به‌نظر من ششمین دوره حراج تهران نکات مثبتی داشت؛ طبعاً هر رویدادی نقطه ضعف‌هایی نیز دارد و هنر آنچه تمام نمای یک جامعه است؛ اما چیزی که اهمیت دارد، این است که سعی کنیم به نکات مثبت توجه کنیم.

نکات مثبت این دوره از نظر شما چه چیزهایی بود؟

حراج تهران نخستین حراجی است که در کشور با استانداردهای بین‌المللی برگزار می‌شود. تصور می‌کنم برگزاری ششمین دوره با حضور جوانان و در فضایی جدید، نوید رونق اقتصاد هنر است. همچنین آثاری که در حراج تهران ارائه می‌شود، بعد از هر دوره وقتی بیرون از حراج ارائه می‌شود، قیمتش بیشتر شده و این تأثیرگذار است و به نوعی می‌توان آن را ویترینی از آثار هنرمندان ایران دانست. اقتصاد هنر، علمی تطبیقی و بین رشته‌ای است که با به کارگیری تحلیل‌های اقتصادی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و… کوشش می‌کند مسائل دنیای هنر را یکپارچه کند. دانش اقتصاد هنر درباره سه محور گفت‌وگو می‌کند؛ خلق اثر هنری، عرضه اثر هنری و مصرف اثر هنری. توزیع و مکانیسم‌های عرضه هنری به مقوله بازار هنر بر می‌گردد. گالری‌ها، حراج‌ها، دوسالانه‌ها و سالانه‌ها برای هنرهای تجسمی از اهمیت زیادی

گفت‌وگو با احسان لاجوردی

یادگارهای ۷۵ سالگی

حافظ روحانی



داشته باشد. اکثر مجموعه‌داران علاقه شخصی‌شان این است آثاری را که انتخاب کرده و زمان برای انتخاب و شناختش گذاشته‌اند، در منزل یا فضایی که برای این کار در نظر گرفته‌اند، چیدمان کنند. اگر به منزل مجموعه‌دارهای بزرگ بروید، می‌بینید از کف تا سقف پر از مجسمه و آثار هنری است، حتی وسایل منزلشان مانند ظروف، مبلمان، فرش، لوستر و… هم به‌نوعی اثر هنری است.

باید این نکته را نیز متذکر شوم که این نمایشگاه سیر تاریخی چهره در ایران را معرفی نمی‌کند. درواقع یک سال پیش وقتی قرار شد این نمایش را با عنوان «چهره» بگذاریم فکر کردم چرا از فریدون آو، چهره‌ای نشان ندم. درست است ایشان پیش‌تر آثارشان را در نمایشگاه‌های دیگر نمایش داده بودند و چهره‌ای شناخته‌شده‌اند، بااین‌حال، در فکر من این بود این نمایشگاه تا حدی بازتابی از فریدون آو برای مخاطبان هم باشد. یعنی درمجموع این نمایشگاه انعکاسی از سلیقه، شخصیت و ذهنیت یک کلکسیونر باشد. شاید هرکسی توانود به منزل فریدون آو برود یا متوجه سلیقه‌اش شود، ما در اینجا

این امکان را به وجود آورده‌ایم. یکی از بخش‌های جالب نیز در این نکته است که این نمایش صرفاً حاصل ۵۰ سال خرید نیست، بلکه ۷۵ سال زندگی یک آدم است. شما می‌توانید علاوه بر آثار هنری عکس‌های خانوادگی، شجره‌نامه ایشان، اشیای عتیقه، مجسمه‌های بدوی، ماسک‌های آفریقایی و جنبه‌های دیگری از فریدون آو را نیز بشناسید. احتمال دارد اگر من به‌تنهایی آثار را می‌چیدم به‌گونه دیگری عمل می‌کردم یا با سلیقه دیگری چیدمان می‌کردم ولی با همفکری هم

کار کردیم تا سلیقه فریدون او حتی در چیدمان آثار وجود داشته باشد.

آقای آو برای درس‌خواندن به خارج از کشور فرستاده می‌شود تا در انگلستان و آمریکا درس بخواند. قرار بوده دکتر یا مهندس شود. ولی هنر او را به آدم دیگری تبدیل می‌کند. او می‌توانسته انتخاب کند که پزشکی شود یا مهندس یا هنرمند. او هنر را انتخاب می‌کند. در زمان مهمی در آمریکا درس می‌خواند. شاگرد س‌ای تومبلی می‌شود و با بسیاری از نقاشان نیویورکی معاشرت می‌کند. همه اینها روی سلیقه او تأثیر می‌گذارند و او به آدم دیگری تبدیل می‌شود. بعد که به ایران برمی‌گردد همواره سعی می‌کند علاوه بر فعالیت هنری، به سایر هنرمندان نیز کمک کند. البته

گفت‌وگو با احمد میرزازاده (احمدمیرزا)

رؤیایی که رنگ واقعیت گرفت

برخوردار هستند؛ اما حراجی‌ها باعث انگیزه بیشتر برای اهالی هنر است؛ مجموعه‌داران، گالری‌داران، واسطه‌ها و هنرمندان با این رویداد به وجد آمده و عموم مردم به هنرهای تجسمی توجه می‌کنند. بحث اقتصادی و قیمت‌های نجومی وارد گفت‌وگوی اهالی فرهنگ و هنر شده و فضای مجازی و اخبار را نیز در برمی‌گیرد.

آا البته برخی انتقادها نیز به نحوه قیمت‌گذاری آثار مربوط بود…

بله، عده‌ای عقیده دارند قیمت بعضی آثار هنری که در حراج‌های معتبر دنیا عرضه می‌شود، کاذب است یا برخی آثار کیفیت لازم را ندارد؛ اما باید به این نکته توجه داشت که اقتصاد هنر تابع عوامل متعددی است. اگر به آثار فروش و قیمت‌ها نگاه کنیم، در ۱۵ سال گذشته، رقم‌هایی شکل گرفته که قبل از این جریان تصورش ممکن نبود، البته گاهی ارقام در حراج‌ها شتاب‌زده بالا می‌رود و همین موضوع شاید به یک



تجسمی

تمول و رفاه مادی این شانس را به او می‌دهد تا توان این را داشته باشد از هنرمندانی حمایت و آثارشان را خریداری کند که شاید در جایی اثرشان را برای ارائه و فروش قبول نمی‌کردند. با این‌کار به آنها انگیزه داده که بتوانند به زندگی و هنرشان ادامه دهند. به‌تدریج به خرید و جمع‌آوری آثار هنری عادت و حتی اعتیاد پیدا می‌کند. خیلی از هنرمندان ۴۰، ۵۰ساله کنونی رشدشان را مدیون ایشان هستند. آنها خودشان استاد شده‌اند و شاگردان دیگری تربیت کرده‌اند ولی در ابتدا راه مورد حمایت فریدون آو قرار گرفته‌اند. حتی اگر ایشان کمک کرده باشد صد نفر به کار هنری ادامه دهند و هر کدام از آنها از پنج نفر حمایت کرده باشند، باعث شده ایشان در هنر معاصر تأثیرگذار باشد.

آا در کیورتی بقیه مجموعه هم حضور داشتید؟

خیر، درواقع برای من حساسیتی درباره کلمه کیوریت‌کردن وجود دارد. به خودم اجازه نمی‌دهم بگویم من کیوریتور هستم. خیلی از جاها آثاری به انتخاب و سلیقه من کنار هم آمده اما هیچ‌وقت نامم ذکر نشده، درواقع نخواستم اسمم ذکر شود. درواقع شما وقتی وارد این مجموعه می‌شوید با یک سلیقه و نگاه مواجه می‌شوید. بنابراین نیازی به کلمه کیوریتور نبود. این یک پروژه است که دلم می‌خواستنه انجام دهم. به این دلیل که معمولا مجموعه‌دارها آثارشان را برای خودشان نگه می‌دارند. این فرهنگ در ایران باب نشده که آثار یک مجموعه‌دار نمایش داده شود. آثاری که یک مجموعه‌دار جمع‌آوری کرده، فقط برای نوه و

نتیجه‌اش نیست، اجازه دهید مردم از این بسته فرهنگی استفاده کنند. چه‌سپا این مجموعه‌ها در نظر تاریخی، آموزشی یا آشنایی با یک سری هنرمندان ناشناس خیلی کارگشا باشند. امیدوارم این برنامه بتواند باعث توسعه فرهنگی و تشویق بقیه مجموعه‌دارها شود و متوجه شوند می‌توانند آثارشان را بیرون بیاورند و مجموعه‌ای را که در طول سال‌ها جمع کرده‌اند، یک روز به نمایش بگذارند. درواقع بسیاری از مجموعه‌داران قدیمی علاقه یا جرت نمایش‌دادن ندارند. این بخش آموزشی برای مجموعه‌داران و تجربه‌ای منحصربه‌فرد برای مردم یا هنرمندان و مخاطبان است، چون فکر نکنم تا‌حال مجموعه مجموعه‌دارى به این صورت که توضیح دادم نمایش داده شده باشد؛ به‌ویژه با موضوعی مانند چهره. چون ۹۰ درصد آثار ایرانی است و هنرمندانش هم ایرانی هستند. مسلماً اگر این مجموعه‌دار ملیت دیگری داشت با آثار دیگری روبه‌ور می‌شدید. همان‌طور که گفتم، این نمایشگاه سیر تاریخی پرتره را نمایش نمی‌دهد، اما تفسیر هنرمندان از چهره ایرانیان را به‌گونه ۵۰ سال گذشته تا به امروز نشان می‌دهد.

آا کتابی که قرار است منتشر شود شامل چه مواردی است؟

قرار بود نمایشگاه مجموعه‌ای از چهره، تصویری از خود، ساخته‌های هنری، متن‌ها و موسیقی باشد که منتشر انجام نشد یعنی کار متن‌ها عقب افتاد. این نمایشگاه قسمت صوتی هم دارد و موسیقی‌ای که در جریان نمایشگاه نیز بخش می‌شد کار کریستف رضاعی است. اما به علت اینکه تا چند روز قبل از نمایشگاه متن‌ها اضافه شدند و کتاب به سه زبان مختلف است، ترجمه، غلط‌گیری، چیدمان‌شان با هم و پروسه طراحی و چاپشان به زمان بیشتری نیاز داشت به‌همین‌دلیل بخش متن‌ها متأسفانه به نمایشگاه نرسید، شاید متن‌ها در کنار نمایش‌ها خیلی جذاب‌تر بود. ولی این تأخیر باعث اتفاق بهتری شد و ما توانستیم تصاویر چیدمان‌های این نمایشگاه‌ها را در کتاب داشته باشیم، یعنی مخاطبان کتاب را به عنوان نمایشگاه کامل‌تری خواهند دید.

روزنه

درباره نمایش «دیوان تئاترال»، نوشته محمود استادمحمد

تماشا به تأکید



رؤیا نوهانی

نمایش «دیوان تئاترال» روزهای پایانی‌اش را در تالار سنگلج پیش‌روی دارد و تا روز چهارشنبه به‌همکارانش در این نمایشگاه، ارکیده درودی، نازیلا نوع‌بشری (مدیر گالری‌های آرآن و پروژه‌های آرآن) و احسان لاجوردی (مدیر بنیاد احسان لاجوردی) اختیار عمل داده بود تا با سلیقه خود هنرمندانی را پیشنهاد کنند و در شکل ارائه آثار نظر و پیشنهاد دهند. برگزاری همین نمایشگاه بهانه‌ای شد تا به سراغ ارکیده درودی برویم تا از تجربه کار با فریدون آو، همکاری با خانم نازیلا نوع‌بشری و احسان لاجوردی و نمایشگاه «تصویری از خود» بگویید؛ گفت‌وگویی که در محل گالری انجام شده است.

نمایش، مغتنم است، تماشای تجربه خود در لباسی دیگر. مهم است، گوش‌دادن به ترانه، خوانش احوال خود در نوای دیگری، جالب است، شنیدن قصه لازم است، فهمیدن راز خود در روایت دیگری، فایده دارد. ممکن است، گذر از فاصله خود با دیگری.

از قصه‌ای به قصه‌ای و چه خوب که این قصه ایرانی است، در کالبد نمایش ایرانی.

از نوایی به نوایی که چه خوب که ایرانی است و موسی و نقطه اتصال، راوی است، باز زخمه‌زدن روزبه مهر بر دوتار و مقام خوانی او، تا احوالات، از حالی به حالی دیگر رونده باشد. کمی بعد از سر پیچ، مقداری جلوتر همان روبه‌روی پارک شهر، تالار سنگلج، گنجه حافظه نمایش در شهر را باز می‌کنی و جعبه موسیقی، نمایش بخش می‌کند. اجزای «دیوان تئاترال»، نوشته همیشه در یاد، محمود استادمحمد، با موسیقی کاوه کاتب و بازنگرانی که نغمه می‌خوانند تا تصویر، میهمان آوا و نوا به طریق شاعرانه باشد، «دیوان تئاترال»، به کارگردانی برزحمت روزبه حسینی، یک نمایش موزیکال که زیر لبر بر یک حافظه، زمزمه‌اش لطف بسیار دارد. تماشای این نمایش را به تأکید پیشنهاد می‌کنم.

تئاتر آفتاب

در «به‌علاوه تئاتر فجر»

شرق؛ تئاتر آفتاب با اجرای چهار نمایش صحنه‌ای در سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، دومین سال حضور خود در بخش به‌علاوه تئاتر فجر را همراه با تماشاگران، میهمانان، هنرمندان و دانشجویان تجربه می‌کند.

به گزارش روابط‌عمومی تئاتر آفتاب، این سالن خصوصی در روزهای برگزاری سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر میزبان چهار نمایش صحنه‌ای در بخش به‌علاوه تئاتر است. برهمن‌اساس نمایش‌های: «بیست نمایش کوتاه درباره سلفی»، نوشته و کارگردانی محمد رحمانیان، «پیروز» شماره ۷۴۵، نوشته و کارگردانی مرجان پورغلامحسین، «باغبان مرگ»، نوشته محمد چرمشیر و کارگردانی آروند دشت‌آرای و «ابر صوتی»، نوشته کیوان سررشته و کارگردانی حسن معجونی از روزهای یکم تا دهم بهمن هرکدام در دو اجرا روی صحنه می‌روند. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت نمایش‌های جشنواره می‌توانند از تاریخ ۲۸ دی به سایت تیوال به نشانی اینترنتی www.tiwall.com مراجعه کنند.



بهاره (بهاره بزرگ) در نمایش «پیروز» شماره ۷۴۵، نوشته و کارگردانی مرجان پورغلامحسین

سال چهاردهم • شماره ۲۷۸۰ روزنامه **شوق**

مکعب سفید

گفت‌وگوبا «ارکیده درودی»، مدیر گالری «ا»

تصویری از خود چیست

حافظ روحانی؛ گالری «ا» این بخت را داشت تا از همان نخستین روزهای فعالیتش مورد توجه هنرمندان و هنردوستان قرار بگیرد؛ شاید از آن‌رو که ارکیده درودی، مدیر این گالری کارش را دوست دارد و پیش‌تر با ترجمه کتابی درباره گالری‌داری این علاقه را نشان داده بود. نمایشگاه «تصویری از خود» که به‌طور مشترک در سه گالری ا، آرآن و پروژه‌های آرآن برگزار شد، یکبار دیگر توجه به این گالری را جلب کرد و علاوه‌برآن باعث شد تا یکی از بزرگ‌ترین نمایشگاه‌های سال، از جهت تعداد هنرمندان و تعداد آثار به‌نمایش‌درآمده برگزار شود. فریدون آو، هنرمند، طراح و مجموعه‌دار مشهوری که این نمایشگاه را ترتیب داده بود، تا حد زیادی به همکاریاش در این نمایشگاه، ارکیده درودی، نازیلا نوع‌بشری (مدیر گالری‌های آرآن و پروژه‌های آرآن) و احسان لاجوردی (مدیر بنیاد احسان لاجوردی) اختیار عمل داده بود تا با سلیقه خود هنرمندانی را پیشنهاد کنند و در شکل ارائه آثار نظر و پیشنهاد دهند. برگزاری همین نمایشگاه بهانه‌ای شد تا به سراغ ارکیده درودی برویم تا از تجربه کار با فریدون آو، همکاری با خانم نازیلا نوع‌بشری و احسان لاجوردی و نمایشگاه «تصویری از خود» بگویید؛ گفت‌وگویی که در محل گالری انجام شده است.

آا نمایشگاه دو بخش کاملا مجزا دارد، یک بخش که نزد احسان لاجوردی برگزار شد و بخش دیگری که در سه گالری دیگر برگزار می‌شود، این دو بخش انگار دو بخش جداگانه از یک آدم را نشان می‌دهند که فریدون آو است؛ یعنی یک بخش مجموعه‌دار و بخش دوم به‌عنوان کیوریتور هنری. این ابعاد چگونه به وجود آمده؟ اینکه قرار است از یک هنرمند بنام دو منظر مختلف نشان دهیم، فریدون آو پیش‌تر دو بخش دیگر کارش را در نمایشگاه‌های شخصی‌اش نمایش داده بود و یک نمایشگاه دیگر هم در دستان سامستر داشت که آن‌هم به‌نوعی نمایش تجربیاتش در عرصه دیزاین بود. این فکر چطور شکل گرفته؟

پیشنهاد اولیه از طرف آقای آو بود و از همان اول هم گفتند که می‌خواهم این نمایشگاه در دو بخش مجزا باشد؛ یک نمایشگاه چهره از

مجموعه آثار خودم که شامل ماسک، مجسمه و همه چیزهایی می‌شد



با کسی مشکل نداریم قرار شد نمایشگاه در اینجا (گالری ا) و گالری آرآن برگزار شود که بعدتر که تعداد هنرمندان بیشتر شد، گالری پروژه‌های آرآن هم اضافه شد. در یک جلسه جداگانه ابتدا به ما پیشنهاد شد و آقای آو گفتند که بنیاد لاجوردی هم قرار است مجموعه شخصی‌شان را نمایش دهند. از همان اول هم قرار بود یک کاتالوگ با یک‌سری متن منتشر شود.

چون قرار هم بر این بود که علاوه بر آثار هنری که از هنرمندان جمع‌آوری می‌شود، از سایر هنرمندان و دیگران متونی گرفته شود. آقای آو یک‌سری افراد دعوت کردند تا با همین مضمون تصویری از خود متن‌هایی بنویسند. متأسفانه هنوز کاتالوگ چاپ نشده چون بیش از ۶۰ هنرمند در نمایشگاه شرکت کرده‌اند و بیش از ۷۰ نفر هم متن نوشته‌اند. این تعداد خیلی بیشتر از آن چیزی بود که فکر می‌کردیم. قرار است تا قبل از اختتامیه در مجموعه لاجوردی این کاتالوگ چاپ شود. بخش جذاب این نمایشگاه برای من این بود که آقای آو از همان ابتدا با ما به شکل مشارکتی کار می‌کردند و این‌طور نبود که همه هنرمندان را خودشان انتخاب کنند و بگویند که فقط من تصمیم می‌گیرم. با خانم نوع‌بشری که صحبت کردیم، یک‌سری هنرمند را پیشنهاد کردیم، ولی انتخاب نهایی از سوی آقای آو انجام شد. بعد به تقسیم‌بندی هنرمندها رسیدیم و تصمیم بر س اینکه اثر کدام هنرمند در کجا به نمایش دربیاید. مسلماً، هم من و هم خانم نوع‌بشری دوست داشتیم هنرمندانم در گالری خودمان باشند. من با توجه به هنرمندان و نوع آثار هنری‌شان که بیشتر روی آن تمرکز داشتیم گفتم اگر امکان دارد هنرمندانی را که اینجا هستند خودم انتخاب کنم که تا حد زیادی دست من را باز گذاشتند تا هنرمندانی را که در نظر من کارهایشان می‌تواند به هم ربط داشته باشد انتخاب کنم. قسمت دوم کار با خود هنرمندان بود؛ مثلا به کسانی مثل علی میرعطیمی، نازگل انصاری‌نیا و بیتا فیاضی گفته شده بود و با توجه به فضای اینجا کار کردند. کار خانم انصاری‌نیا کار جدیدی نیست، ولی با توجه به فضای اینجا که می‌توانستیم کار را بین دو طبقه آویزان کنیم، کار را آماده کردند و تصاویرش را برای من فرستادند و من هم برای آقای آو فرستادم و فکر کردیم می‌تواند خوب باشد؛ مثلا خانم فیاضی درخواست کرد که دو دیوار در اختیار داشته باشد چون می‌خواست هم حجم داشته باشد و هم یک‌سری عکس؛ یعنی هنرمندان خیلی با فضا هم درگیر بودند یا حتی کسانی که کارشان نقاشی بود فکر کردند قرار است یک دیوار به آنها تعلق بگیرد و برای یک دیوار برنامه‌ریزی کنند؛ مثل شهلا حسینی و فریدون نقاری که می‌دانستند قرار است یک دیوار داشته باشند و نسبت به آن دیوار به ما کار دادند. تا‌به‌حال، نمایشگاه گروهی با این تعداد نفر نداشته‌ایم، برای من تجربه جالبی بود.



گروهی از بازدیدکنندگان در نمایشگاه «تصویری از خود» در محل گالری «ا»